



آثار باستانی و ارزش های تاریخی

آشنایی کامل با زندگی نامه هیتلر (جنایتکار یا میهن دوست؟)

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۱۶ خرداد ۱۳۹۲ - ۱۳ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

هیتلر (رایش سوم) گاهی اوقات که مسائل تاریخی رو بررسی میکنم و تضاد ها را میبینم واقعا افسوس می خورم که در تاریخ چه جعل هایی میشود و چگونه یک واقعه با تغییر سیصدوشصده درجه ای جلوه داده می شود و به عنوان یک محقق تاریخی همیشه بر این اصل معتقدم که تاریخ توسط فاتحان نوشته می شود مگر اینکه توسط مردمان سینه به سینه نقل شود چرا کشور های آمریکا و انگلیس و دیگر جبهه های متفقین هنوز بعد گذشت زمان دست از سر هیتلر و نازی بر نداشته و با قدرت در حال کوباندن آنها هستند؟ از چه می ترسند ؟ آیا از واقعیت می ترسند؟ ای



هیتلر (رایش سوم)

گاهی اوقات که مسائل تاریخی رو بررسی میکنم و تضاد ها را میبینم واقعا افسوس می خورم که در تاریخ چه جعل هایی میشود و چگونه یک واقعه با تغیر سیصدوشصده درجه ای جلوه داده می شود و به عنوان یک محقیق تاریخی همیشه بر این اصل معتقدم که تاریخ توسط فاتحان نوشته می شود مگر اینکه توسط مردمان سینه به سینه نقل شود

چرا کشور های آمریکا و انگلیس و دیگر جبهه های متفقین هنوز بعد گذشت زمان دست از سر هیتلر و نازی بر نداشته و با قدرت در حال کوباندن آنها هستند؟ از چه می ترسند ؟ آیا از واقعیت می ترسند؟

این بار در پارسیان دژ سعی بر این داریم که این سوال را مورد بررسی قرار دهیم

هیتلر جنایتکار یا میهن دوست ؟

برای دیدن بررسی این سوال به ادامه نوشتار مراجعه کنید

هیتلر در خانواده پولدار و سرمایه دار به دنیا نیامد او در یک خانواده معمولی و فقیر به دنیا آمد پدر او آلویس

هیتلر (۱۸۳۷ - ۱۹۰۳)، یک کارمند پائین رتبه گمرک بود.

مادر هیتلر، کلارا هیتلر (زاده پوزل)، دومین دختر عموی آلویس بود. او شش بچه به دنیا آورد. تنها آدولف، که دومین فرزندش بود، و خواهر کوچکش پاولا در کودکی زنده ماندند.

(اینجا جای این جمله است : سرنوشت مسیر شگفت آوری را طی میکند)

هیتلر در کتابش نبرد من، با لحنی مودبانه درباره پدرش دارد، و می گوید تصمیم جدی که برای نقاش شدن داشت باعث اختلاف نظرات بسیاری در بین آن ها شده بود. در ژانویه ۱۹۰۳ الویس درگذشت، و در دسامبر ۱۹۰۷ کلارا به دلیل ابتلا به سرطان سینه فوت نمود.

(تمایل هیتلر به نقاش شدن که با جدیت آن را پیگیری میکرد نشانگر این است که بر خلاف ادعا خیلی از کشورها و افراد هیتلر دارای شخصیت خونخوار نبوده یک فرد عاشق هنر به خصوص هنر نقاشی نمی تواند یک قاتل جانی باشد)



هیتلر

جنگ جهانی اول

در اوت ۱۹۱۴ جنگ جهانی یکم آغاز و هیتلر برای لشکر باواریا داوطلب شد. او یک سرباز وظیفه فعال بود که به عنوان پیغام آور در فرانسه و بلژیک در معرض دید آتش دشمن خدمت کرد. اگر چه خدمت هیتلر قابل تقدیر بود ولی به خاطر این که تابعیت آلمانی او مفقود شده بود هرگز به بالاتر از سرجوخه ترفیع نیافت. او دوبار برای شجاعت در جنگ نشان صلیب آهنی، درجه دو، در دسامبر ۱۹۱۴، و صلیب آهنی، درجه یک که به ندرت به سرجوخه ها اعطا می‌شود، در اوت ۱۹۱۸ را دریافت کرد. در مدت جنگ هیتلر یک آلمانی میهن پرست شد، هرچند او تا سال ۱۹۳۲ تابعیت آلمانی نداشت. او در مدت خدمت سربازی اش نقاشی‌های روزنامه ارتش را نیز می‌کشید اما در سال ۱۹۱۶ از ناحیه پای چپ دچار زخمی شد و مدال جانبازان را نیز دریافت کرد و پس از بهبودی مجدداً به جبهه بازگشت. وقتی که مردم اعتقاد به شکست ناپذیری ارتش آلمان داشتند، آلمان در نوامبر سال ۱۹۱۸ تسلیم شد. هیتلر با شنیدن خبر تسلیم شدن آلمان دچار شوک شدیدی شد. او در آن زمان به خاطر حمله شیمیایی به وسیله گازخردل در بیمارستان صحرایی بود و به طور موقت دچار نابینایی شده بود. مانند بسیاری از میهن پرستان، او سیاست مداران غیرنظامی و یهودیان و کمونیست‌ها را در تسلیم شدن آلمان مقصر می‌دانست.

منبع : Alastair Jamieson Nazi leader Hitler really did have only one ball The Daily Telegraph, retrieved on 20 November 2008

(همین مطلب نشانگر عشق زیاد هیتلر به وطنش بود و برای خدمت به میهنش از هیچ چیز کم نگذاشت ، شما در مطلب فوق نشانه ای از خونخواری در هیتلر می بینید؟ یا میهن پرستی که عشق به وطنش او را به جنگ کشانده؟)

پس از جنگ جهانی یکم

نتیجه جنگ جهانی یکم برای آلمان شکستی فاجعه بار بود. کشورهای پیروزمند در عهدنامه ورسای شرایطی بسیار سخت و خفت بار را به این کشور تحمیل کردند. با شکست رایش دوم در جنگ جهانی یکم، در آلمان جمهوری وایمار تشکیل شده بود. پس از جنگ جهانی یکم آلمان در بحران غرق بود. در جامعه‌ای که لایه‌های گسترده مردم با بی کاری و فقر روبرو بودند هیتلر مانند بسیاری از هم نسلان خود، تسلیم آلمان را رد می‌کرد و شکست آلمان را نتیجه اتحاد یهودیان و کمونیست‌ها می‌دانست و خواهان جبران آن بود. هیتلر مرام سیاسی خود را به روشنی در کتاب نبرد من تشریح کرده‌است.

هیتلر به حزب کارگر پیوست و سپس با سخنرانی های آتشینش توانست تعداد اعضای حزب را بیشتر کند. بخاطر سخنرانی هایش به عنوان مسئول تبلیغات حزب منصوب شد و با وارد کردن همزمانش به حزب آن را تا حد زیادی گسترش داد و سرانجام به رهبری حزب رسیده و نام حزب را به « ناسیونال سوسیالیست کارگران آلمان» تغییر داد و پرچم صلیب شکسته را به عنوان پرچم حزب انتخاب نمود. پس از اینکه وی به رهبری حزب رسید با پشتیبانی ژنرال لودندورف ژنرال نامی آلمان در جنگ جهانی اول اقدام به یک کودتا در باواریا کرد اما در کودتا شکست خورده و در

سال 1924 به زندان محکوم شد. او در دادگاه نطق آتشینی ایراد کرد که همه را به تحسین واداشت. هیتلر در زندان جلد اول کتاب معروفش نبرد من رو نوشت و نه ماه پس از حبس از زندان آزاد شد. کتاب نبرد من در آلمان از محبوبیت به سزایی برخوردار بود به طوری که پس از انجیل پرفروش ترین کتاب آلمان شد.



هیتلر

پس از آزادی از زندان هیتلر متوجه شد که باید به شیوه ی قانونی پیش برود. در نتیجه تا حد امکان فعالیت سازمان های نظامی حزب را کنترل کرد و مجددا فعالیت حزب را گسترش داد و سرانجام در سال 1933 به صدارت اعظمی آلمان رسید و با مرگ رئیس جمهور هیندنبورگ در سال 1934 رسماً هیتلر و صدراعظم آلمان شد.

هیتلر پس از قدرت یابی پیمان ورسای را آرام آرام لغو کرد. ارتش آلمان را از صد هزار نفر به سیصد هزار نفر گسترش داد و نیروی هوایی را در 1935 تاسیس کرد و طولی نکشید که آلمان را به یکی از بزرگترین قطب های نظامی و اقتصادی جهان کرد.

هیتلر ویژگی های منحصر به فردی داشت. در مدرسه او در رشته تاریخ دانش آموزش قابل بود و پس از آن در نقاشی و به ویژه معماری استعدادی از خود نشان داد. از ویژگی های منحصر به فرد او می توان اراده ی خارق العاده ی او را مثال زد. اراده ای که او را از خیابان های وین به نبرد های سخت فرانسه در جنگ جهانی اول و سپس به رهبری آلمان رساند. اراده ای که باعث شد حداقل برای مدتی کوتاه به اتحاد تمام سرزمین های آلمانی عمل جامه ی عمل بپوشاند. چنین رویدادی در تاریخ آلمان تنها در دوره هیتلر روی داد.

هیتلر حیوانات را نیز بسیار دوست داشت و یک سگ به نام « بلوندی» هم داشت. زمانی که هیتلر به دیدن فیلم می پرداخت هنگام شکار یک حیوان در فیلم چشمانش را با دستانش می گرفت. زمانی که قناری کاخ صدارت اعظمی مرد هیتلر مدت ها ناراحت بود و برای قناری گریه می کرد. علاقه ی هیتلر به پول بسیار کم بود. او نه در جوانی که فقیر بود و نه در دوران صدارت اعظمی و رهبری خود به پول علاقه ای نشان نمی داد و حتی حقوق صدارت اعظمی خود را دریافت نمی کرد و تنها در آمدش پول حاصل از فروش کتاب نبرد من بود و اگر هم در ساختمان های مجلل زندگی می کرد نه بخاطر علاقه اش به پول بلکه بخاطر عظمت و بزرگی آلمان بود. هیتلر خود را سرباز می دانست و غذای ساده می خورد، نه سیگار می کشید و نه مشروب میاشامید و گوشت هم نمی خورد زیرا معتقد بود که گوشت انسان ها را مانند حیوانات وحشی می کند. نفرت هیتلر از سیگار به حدی بود که بار ها به این فکر می کرد که در جیره سربازان به جای سیگار به آن ها شکلات بدهد اما اطرافیانش با این کار مخالفت کردند. در مسئله دین هیتلر را می توان یک کاتولیک معتقد دانست. البته او مذهبی و متعصب نبود اما با توجه به آن چه از وی می دانیم وی به خدا و مذهب کاتولیک معتقد بود و البته علاقه ای هم به دین شینتو و اسلام داشت به طوری که در زمان وی برلین مرکز گروه های اسلامی ضد استعمار شده بود و حتی در اس اس یک لشکر اسلامی تاسیس شد.

نفرت هیتلر از یهودی بسیار زیاد بود. هیتلر که خود از سربازان جبهه ی جنگ جهانی اول بود و چهار سال به سختی نبرد کرده بود یهودیان را دلیل شکست آلمان می دانست و معتقد بود یهودیان خود را آلمانی نمی دانند. هیتلر زمانی که زخمی شده بود و سفری به خاک آلمان کرد در نهایت تعجب دید که تقریباً تمام یهودیان منشی و تمام منشیان یهودی هستند و بر عکس در میدان نبرد کمتر یهودی دیده می شود. این وضع او را به قدری خشمگین کرد که تصمیم گرفت به جای استراحت فوراً به جبهه بازگردد. علاوه بر اراده دلوری هیتلر بر همگان آشکار است به طوری که برخی می گویند در جنگ جهانی اول چهار سرباز و به گفته ی برخی دیگر پانزده سرباز متفقین را در یک مرتبه اسیر کرد!!! هیتلر به داشتن زن و فرزند علاقه نداشت زیرا معتقد بود اگر زن و فرزند داشته باشد توجهش از سرزمینش آلمان منحرف می شود و باید ماموریت الهی خود را به پایان برساند. از ویژگی های بارز دیگر آدولف هیتلر عشق او به آلمان بود و در واقع او در عشق به آلمان فنا شده بود. همانند بعضی شاهان و دیکتاتور ها سرزمینش را برای خود نمی خواست بلکه بر عکس خود را برای سرزمینش می خواست به همین دلیل زمانی که نیروهای شوروی در نزدیکی کاخ او بودند و فهمید که دیگر نمی توان پیروز شد با اوا براون ازدواج و سپس خودکشی کرد. با وجود اینکه پیش از خودکشی عده ی بسیار زیادی از او خواستند برلین را ترک کند اما او خود را یک سرباز می دانست و معتقد بود باید عقب نشینی نکرده و از دستور اطاعت کند. و برای اینکه نمی خواست مانند موسولینی به دست یک مشت وحشی در جایی آویزان شود مانند یک فرمانده غیور شکست خورده خودکشی کرد و دستور داد جسدش را

آتش بزنند. هیتلر با خودکشی خود ایمان به ناسیونال سوسیالیسم، اطاعت از دستور و جان دادن در راه میهن را نشان داد.



هیتلر

خب حالا شاید بگویید که هیتلر در جنگ جهانی دوم مقصر بوده ولی اینطور نبود در نوشتار زیر به بررسی این نکته می پردازیم که مقصر چه کسی بوده است

پس از جنگ جهانی اول، متفقین برای جلوگیری از وقوع جنگ بزرگ دیگری معاهده ورسای را پیشنهاد دادند. سخت‌ترین قسمت این معاهده در مورد آلمان بود. متفقین این کشور را به خاطر شروع جنگ مقصر شناختند و در این معاهده در قبال صلح، از آن غرامت جنگی و سرزمین مطالبه کردند. جمهوری وایمار، دولتی که پس از فرار ویلهلم دوم، امپراتور آلمان در این کشور تشکیل شده بود به ناچار برای انعقاد صلح با متفقین این پیمان را امضا کرد. طبق این پیمان، مردم آلمان به خاطر شروع جنگ مقصر شناخته شدند و باید غرامتی حدود صد میلیارد دلار (در آن زمان) می‌پرداختند. همچنین معاهده اندازه ارتش آلمان را به صد هزار نفر کاهش داد، تمام زیردریایی‌ها و ناوهای قدرتمند جنگی (بجز شش فروند) آلمان به متفقین تحویل داده شد و آلمان دیگر حق ساخت هواپیما و تانک و دیگر جنگ افزار تهاجمی را نداشت. به جز آن، مستعمرات آلمان در آفریقا، چین و حوزه اقیانوس آرام، گرفته

شد. ایالات آلاسکا و لورن آلمان که زمانی به فرانسه تعلق داشتند به این کشور باز پس داده شدند و اراضی وسیعی از آلمان به لهستان واگذار شد. و از همه مهم تر راینلاند-فالتز، اراضی حاصلخیز غرب رود راین برای ۵۰ سال به متفقین سپرده شد. بسیاری از این نواحی، نواحی حاصلخیز، کانه خیز و صنعتی آلمان بود. یک تاریخدان در این باره می‌گوید: [چه کسی؟]

معاهده ورسای حدود سیزده درصد قلمرو پیش از جنگ آلمان، ده درصد جمعیتش، هفتاد و پنج درصد کانه‌های آهن آن و بیست و پنج درصد باکیفیت‌ترین معادن ذغال سنگ آن را گرفت.

منبع : Ronald Gray, Hitler and Germans. Cambridge: Cambridge University Press, 1981

.Michael Wright, Illustrated History of World War II. London: Reader's Digest Association, 1989

از ابتدای سال 1939، توجه هیتلر به موضوع دانتسیگ تمرکز یافت. هیتلر که خواستار صلح بود، با سخاوتی که در تاریخ آلمان بی نظیر بود، از پس گرفتن دالان صرف نظر کرد و رسماً اعلام کرد که دالان را به عنوان یک سرزمین لهستانی به رسمیت می‌شناسد به این شرط که لهستانی‌ها حاضر شوند یک خط آهن و اتوبان به دولت آلمان بدهند تا آلمان بتواند با استان پروس شرقی به طور زمینی نیز ارتباط داشته باشند. درخواست های هیتلر توسط دولت نالایق لهستان رد شد و پس از آن پیشوا به درخواست های خود افزود و دولت لهستان تمام آن‌ها را رد کرد. سرانجام لهستان پاسخ درخواست‌ها و کوشش‌های دیپلماتیک هیتلر را با خشونت پاسخ داد از جمله :

- فشار دولت لهستان روی اقلیت آلمانی ساکن لهستان بیشتر شد.

- هرچیزی که روح آلمانی داشت در لهستان با خشونت روبرو می‌شد.

- دولت لهستان فشار اقتصادی بر روی بندر دانتسیگ (که عملاً تمام ساکنان آن آلمانی بودند) را بیشتر کرد.

اکنون برای هیتلر صرف نظر از موضوع دانتسیگ، موضوع نجات اقلیت آلمانی مطرح بود که تحت فشار دولت لهستان بودند. لهستانی‌ها نیز به شدت به آغاز یم جنگ جدید علاقه مند بودند. در واقع از سال‌ها پیش از اینکه هیتلر به قدرت برسد، روزنامه‌های معروف لهستانی، از ادبیات ضد آلمانی پر شده بود و در این روزنامه‌ها همواره سخن از پیشروی به سوی آلمان و ضمیمه کردن استان پروس شرقی به خاک لهستان سخن می‌گفتند و اکنون امیدوار بودند با پشتیبانی بریتانیا و فرانسه یک جنگ نوین اروپایی راه بیندازند و سرزمین‌های شرقی آلمان را تصاحب کنند.

در طول 29 آگوست، ده‌ها تهاجم مرزی از خاک لهستان به خاک آلمان شکل گرفت. این حملات بدین جهت بود که آلمانی‌ها به حمله تحریک شوند تا از نظر بین‌المللی و افکار عمومی تقصیر آغاز جنگ به گردن آلمانی‌ها بیافتد. لیدل هارت بزرگترین و مشهورترین مورخ نظامی بریتانیا نیز اعتقاد دارد که این لهستانی‌ها بودند که حملات مداومی به مرز آلمان انجام دادند.

پس با بررسی کل مطلب شما چگونه نتیجه میگیرید؟ آیا هیتلر واقعا شروع کننده جنگ بوده؟ آیا هر وطن دوستی بود با دیدن این همه ظلم و ستم بر ملتش سکوت می کرد؟

آیا می بایست سکوت کند تا دولتها و یهودی ها و کمونیست ها کشورش را به نابودی بکشند؟

یر این پوشیده نیست که در جاهایی عقاید تند و افراطی ملی گرایی در آلمان نازی دیده می شود ولی واقعیت تاریخ اینگونه است شما برای این که بتوانید عده ای را که مانند لاشخورانی(کمونیست ها ، انگلیس ها و یهودی های سودجو) بر کشور شما(آلمان) حمله کرده اند را از کشورتان دور کنید احتیاج به رفتارها یی تند روی گونه دارید چون با روش های معمول نمی شود با چنین لاشخورانی جنگید....

در اینجا فایل وصیت نامه سیاسی هیتلر را می گزارم

شاید از خود بپرسید که در آن هیاهو شوروی دیگر از وصیتنامه هیتلر اثری می گذاشت؟(نابودش می کرد)

در جواب شما باید بگویم که وصیت نامه هیتلر پس از نوشته شدنش 4 نسخه ازش نوشته میشه و به امضای 4 نفر از سران حزب از جمله دکتر گوبلز و مارتین بورمان و 2 نفر دیگر میرسه

قبل از فتح کامل برلین هم از رادیو برای مردم خوانده میشه و همه شنیده بودنش پس به هیچوجه دلیلی بر دروغ بودن وصیتنامه هیتلر وجود ندارد

متن ترجمه شده وصیت نامه از وبسایت نازی سنتر گرفته شده

اگر می خواهید با شخصیت هیتلر آشنا شوید حتما بخوانید

برای دانلود وصیت نامه کامل هیتلر اینجا کلیک کنید

حال به خودتان پاسخ دهید :

هیتلر جنایتکار یا میهن دوست؟

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «آشنایی کامل با زندگی نامه هیتلر (جنایتکار یا میهن دوست؟)»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1278/pdf/هیتلر-جنایتکار-یا-میهن-دوست.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۵ آبان ۱۳۹۹